

شاهد است «وماقتلوه و ماصلبوه و لکن شبه لهم» ملحد را باز پرسیدند اقرار کرد که یکی سال است تا مرا به جهان به طلب این استفتا می‌دوانند. عوام آمل او را سنگسار کردند و فخر الاسلام فتوی فرمود به سبب ذراری ایشان تا ملاحظه نفرستادند و به‌عذر بردر مقصوده جامع آمل بدین حد که مناره است به زخم کارد آن امام سعید را شهید گردانیدند و هنوز (۶۰۶ ه. ق) آن کارد به مدرسه به‌خانه ایشان نهاده و من به نوبتها دیدم.^{۱۸}

مرقد الناطق بالحق سید ابوطالب یحیی بن حسین

در آمل

سید ابوطالب یحیی رحمه الله در سنه ۳۴۰ از مادر جدا شد و در سنه ۴۲۲ فرمان حق [در او] رسید و به آمل دفن کردند. هشتاد و دو سال عمر یافت و بعد برادر يكسال تمام بر نیامده او نیز بدو پیوست و تصنیفات او در فقه و کلام آنچه مشهور است کتاب التحریر و الشرح کتاب المجزی، کتاب الدعامة.^{۱۹}

مرقد ابن فورك

در محله علی کلاده سره آمل

ابن فورك که مسجد سالار آمل و آن منبر که هنوز (۶۰۶ ه. ق.) بر کرائه محراب نهاده به جهت او نصب کردند. از استاد خویش ابراهیم بن محمد ناصحی شنیدم که صاحب عباد او را به تعصب بگرفته بود و به حبس داشت به‌خانه‌ای تاریک به‌ری، تا ابواسحق اسفراینی متکلم پیش صاحب شد. هر روز میان ایشان مباحثات بود. روزی به باغی مباحثه می‌کردند در خلق الافعال. مناظره بالا گرفت تا صاحب دست یازید و از درخت سیبی باز کرد گفت این نه فعل من است؟

ابواسحق گفت «اگر فعل تو است باز همان‌جا دوسانده.» صاحب خاموش

شد و گفت «مرا دخواه» گفت: «مرا د من ابن فورك است» فی الحال خلاص

۱۸ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۳ . ۱۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۲ .

فرمود. به آمل آمد. دویاره کتاب در کلام به حبس تصنیف کرده بود. به جهت او سالار آن مسجد بنیاد افکند. تا آخر عمر به آمل بماند و خاک او به محله علی - کلاده سره، بالای گنبد چهار راه نهاده است.^{۲۰}

مرقد امیر تاج الدوله شهریار

در آمل

امیر تاج الدوله شهریار در قلعه دارا در آمل رنجور شد و بر سر دوازده روز چنانکه نجیب الزمان احمد بن محمد قصرانی منجم گفته بود وفات کرد. او را بر جنازه نهاده و به آمل به خانقاه او برده، دفن کردند.^{۲۱}

مرقد حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر

در شهر آمل

مرقد حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر در محله علی آباد در خانه دخترش است. این مرد در سال ۳۲۰ ه. ق. در شهر آمل کشته شد.^{۲۲}

مدارس و خانقاه حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر

در شهر آمل

حسن بن قاسم در آمل اندیشه مدرسه و خانقاه فرمود.^{۲۳} صاحب تاریخ رویان - مولانا اولیاء الله آملی - می‌نویسد: «حسن بن قاسم در آمل مدرسه‌ای عمارت کرده آنجا که مشهد اوست و آن مدرسه در این چهل سال یا بیشتر آبادان بود و آنجا ساکن شد. او در بیست و پنجم شعبان سال ۳۰۴ فوت شد.^{۲۴}

۲۰ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۵ . ۲۱ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۳ .

۲۲ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۲۴ . تاریخ رویان ص ۸۲ .

۲۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۸۴ . ۲۴ - تاریخ رویان ص ۸۰ .

دخمه و قبه عالی که مرقد داعی کبیر است
در محله راست کوی در شهر آمل

در محله راست کوی آمل دخمه و قبه عالی برای داعی کبیر ساختند .
هنوز (۸۸۱ هـ . ق .) آن عمارت باقی است و مولانا اولیاءاله نوشته است: «در
ایام طفولیت اگرچه عمارت رو به خرابی نهاده بود، اما صندوق کهنه ای آنجا دیدم
و در میان دیوار گنبد ، راه گرد می گردد و به بالا می رود و هفتاد پاره دیبه
در نواحی آن بغیر از باغ و ضیعه و حمام و دکان بر آنجا وقف فرمود . روز
دوشنبه سیم رجب سنه ۲۷۰ وفات یافت. ۲۰»

مرقد ابوعلی محمدبن ابوالحسین احمد
در محله راست کوی شهر آمل

در محله راست کوی آمل گنبدی است که مرقد ابوعلی محمدبن
ابوالحسین احمد - پسر داعی صغیر است ، برابر گنبد داعی کبیر نهاده. ۲۶

مسجد و مناره مالک اشتر

در محله چلاوه سر برابر کوچه سماکی در شهر آمل

مسجدی که در شهر آمل در محله چلاوه سر برابر کوچه سماکی نهاده است
و مسجد و مناره مالک اشتر می گویند ، بدان نسبت به مالک می کنند که این را
جماعت مالکیه که قائل به امامت مالک اشترند ساخته اند و ایشان خود را از
متشعبه شمرند و آن قوم نیز هنوز (۸۸۱ هـ . ق .) باقی اند . اصل ایشان از لار
حوالی قصران . این ساعت (۸۸۱ هـ . ق) نیز هر سال و هر دو سال به آمل می آیند
و عمارت آن مسجد کنند. ۲۷

۲۵ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱۰ . ۲۶ - تاریخ طبرستان و
رویان و مازندران ص ۲۲۴ . تاریخ رویان ص ۸۲ . ۲۷ - تاریخ رویان ص ۳۷ .

بیمارستان آمل

مقدسی در سال ۳۷۵ هـ . ق . سخن از بیمارستان آمل به میان آورده
است . ظاهر آ از قدیمترین ایام در این شهر بیمارستان وجود داشته است. ۲۸

قصر فیروزآباد

نزدیک شهر آمل

در زمان فرخان کبیر ، در فیروزخسر و قصری وجود داشته است که بعدها
به نام فیروزآباد شهرت یافته و آن در دوفرسنگی شهر آمل بوده است. ۲۹

میدان رودبار باقلی پزان

در شهر آمل

مولانا اولیاءالله از میدانی به نام «میدان رودبار باقلی پزان» در شهر آمل
نام می برد. ۳۰

قلعه آمل

صاحب عالم آرای عباسی در وقایع سال ۱۰۰۵ هـ . ق . می نویسد :

«پس از آنکه سید مظفر از خدمت شاه عباس رخصت یافت
به رفاقت فرهادخان روانه مازندران گشت و جناب خان به جهت تألیف
قلوب سایر وحشی صفتان مازندران با او به مدارا سلوک نموده،
همچنان معزز و محترم به طریق مهمان رفیق خان بود، چون به شهر
آمل که از بلاد قدیمه طبرستان است و در تصرف ملک بهمین بود
رسیدند، ملازمان و مردم او قلعه آمل را استحکام داده در مقام
قلعه داری درآمدند و فرهادخان شروع در لوازم قلعه گیری کرد.

۲۸ - احسن التقاسیم ص ۳۵۹ . ۲۹ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو
ص ۱۵۳ . ۳۰ - تاریخ رویان ص ۱۱۸ .

ملك بهمن با پیامهای متعدد گناه پایداری مردم آمل را به گردن سیدمظفر می انداخت و خود را نشان نمی داد . سیدمظفر هم که طول مدت محاصره را دید ، از آمل فرار کرد و به ساری در قلعه از دارکله متحصن شد . سایر حکمرانان محلی نیز هریک به گوشه ای رفتند فرهادخان با پایداری و استقامت قلعه را بگشود .»

هنوی درباره این قلعه می نویسد :

«دژی کهنسال در این شهر است که متناسب تر و محکمتر از آن

دژی در ایران نیست . دیوارهای آجری دژ بسیار پهن بود و مردم محل تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از زمان نادر شاه می دانستند و می گفتند که از آن تاریخ به بعد ، این دژ هر دو بیست سال یکبار مرتباً تعمیر و مرمت می شده است .»^{۳۱}

هولمز در سال ۱۳۶۰ ه . ق . می نویسد :

«از کاخ مشهور شاه عباس و دژ کهنسال و بزرگی که هنوی صدوشش سال قبل آن را مستحکمترین و خوش ترکیب ترین دژهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت ، اثری دیده نمی شود»^{۳۲} .

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه می نویسد :

آن سمت پل طرف غربی رودخانه را به مسافت هزاروپانصد ذرع از سنگ و آجر و آهک سدی ساخته اند معلوم می شود که قدیم قلعه محکمی آنجا بوده . اما حالا دکان و کاروانسرا ساخته که

Hanwey: J. An Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea Vol I. p 292.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۲۴ .

Holmes, W R. : Sketches on the Shores of the Caspian. London 1845, ۳۲ p. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵ .

به رودخانه نگاه می کند ، بسیار باصفاست^{۳۳} .

باروی شهر آمل

ابن اسفندیار می نویسد :

عمارت حصارهای آمل و ساری را عبدالملك بن قعقاع مرمتها

کرد و سور پدید آورد تا آن وقت که مازیار خراب فرمود^{۳۴} .

این مرد در سال ۱۷۸ ه . ق . در طبرستان حکمرانی داشت . او پس از

مثنی بن حجاج و پیش از عبدالله بن حازم در طبرستان بود^{۳۵} .

سید ظهیرالدین عبارات ابن اسفندیار را تغییر داده و چنین نوشته است :

عمارت حصار شهر آمل را عبدالملك قعقاع کرد و آن عمارت

را مازیار خراب کرد^{۳۶} .

با خواندن عبارات سیدظهیرالدین به این نتیجه می توان رسید که شهر آمل

پیش از عبدالملك حصارى نداشت و اوست که حصار آن را ساخته است .

در صورتیکه از عبارات ابن اسفندیار معلوم می شود که او تعمیرکننده این حصار

قدیمی بوده است . درباره خراب کردن این حصار ، ابن اسفندیار نوشته است :

حصارهای آمل و ساری را مازیار پست کرد و به کوهستانها قلعه ها ساخت^{۳۷} .

در زمان مازیار شهر آمل دو خندق و حصار داشت . مابین الخندقین را «ربض»

خواندندی ، مازیار خراب کرد^{۳۸} .

۳۳ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۵۳ . درباره قلعه آمل نگاه کنید به تاریخ

گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۱۸۸ و ۲۳۶ و عالم آرای عباسی ج ۱ ص ۵۱۹ . این قلعه

ظاهراً به نام « خرم دز » معروف بوده است . صاحب تاریخ طبرستان می نویسد « قلعه

خرم دز آمل و تا پرب از منوچهر لارجان مرزبان گرفت » (تاریخ طبرستان ج ۲

ص ۸۸) . ۳۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹ . ۳۵ - تاریخ طبرستان و

رویان و مازندران ص ۱۱۴ . ۳۶ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹ و تاریخ رویان

ص ۵۱ . ۳۷ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۱۱ . ۳۸ - تاریخ رویان ص ۵۴ و تاریخ

طبرستان ج ۱ ص ۲۱۰ .

هنگامی که به دستور مازیار حصار آمل را خراب می کردند: «بر سر دروازه گرگان بستوقه ای یافتند سبز، سراو به قلعی محکم کرده، متولی آن خرابی بفرمود تا بشکنند. لوحی بیرون افتاد کوچک از مس زرد، براو سطرها به خط «گستج» نبشته، کسی را که بر آن ترجمه واقف بود بیاوردند بخواند. هر چند استفسار طلبیدند نگفت. تا به تهدید و وعید انجامید. گفت «بر این لوح نبشته نیکان کنند و وذان کنند و هر که این کند سال واسر نبرد.» همچنان آمد، سال تمام نشده بود که مازیار را گرفته و با سرمن رأی بردند و هلاک کردند»^{۴۹}.

در سنوات ۷۶۹ - ۷۷۹ به دستور سید کمال الدین بن میر قوم الدین مرعی در آمل و ساری جار انداختند. مردم بسیار جمع شدند و بنیاد خندق فرمود کردن و خندق عظیم در طول و عرض و عمق در زمان اندک حفر کردند و بر سر آن از خشت پخته و ساروج و گل برجها و دیوارها ساختند و درون قلعه، کوشک و خانه و عمارت عالیه بنیاد نهادند و حمام و سایر عمارات ضروریه فرمود ساختند و چاههای آب فرمود تا حفر کنند و بیرون قلعه بنیاد شهر و بازار و حمام و مسجد طرح انداختند.^{۵۰}

گنبدهای بیرون شهر آمل

در اراضی گنبدین جزء محله پایین بازار آمل

حسن بن اسفندیار در تاریخ خود، دوبار از این گنبدها یاد کرده است و چنین می نویسد:

السید شمس آل رسول صلی الله علیه و آله فقیه و صاحب حدیث و از جمله نساك و عباد، هنوز (۶۰۶ هـ. ق) تربت او برقرار است و مشهد معمور و مزار مشهور، به محله عوامه کوی برادر دروازه آمل^{۵۱}.

۴۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۲ . ۴۰ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ۲۷۱ . ۴۱ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۵ .

اراضی گنبدین امروز که قسمتی از محله پایین بازار آمل است در زمان ابن اسفندیار محله ای جداگانه به نام «عوامه کوی» بوده و برادر دروازه آمل قرار داشته است. در این اراضی پاره آجر و سفال فراوان دیده می شود سابقاً باکندن این اراضی آجرهای فراوان به دست می آوردند. این اراضی را فعلاً آقای اصغر توکلی پسر حاجی آقامحمد توکلی ضبط کرده و به باغ تبدیل کرده است.

ابن اسفندیار در جای دیگر کتاب خود می نویسد:

قاضی هجیم زاهد و عالم و تربت برادر مشهد شمس آل رسول، به محله عوامه کوی^{۵۲}.

سه گنبد در خارج شهر آمل

ملگنوف ذیل عنوان «سه گنبد» می نویسد که در خارج شهر آمل بقاعی قدیمی است در حالیکه به جای سه گنبد پنج عدد گنبد است.

۱ - گنبدی که از زلزله ویران شد و چهار گوشه بود.

۲ - گنبد ناصر الحق که یکی از سادات حسنی است.

۳ - گنبد شمس طبرسی که دارای دو پوشش بود يك پوشش آن از زلزله ویران شد.

۴ - گنبد «سایه سه تن» یعنی گنبدی که بر روی جسد سه تن از پسران میرقوم الدین سایه انداخته است. در وسط آن سنگی نثارشیده بود. از خطوط کوفی آن برمی آید که امام ابوالقاسم پسر ابوالمحاسن رویانی حکیم الهی نیز در آنجا مدفون است.

۵ - گنبد محمد آملی که تا به بنیاد ویران است^{۵۳}.

هنوز سه برج در خرابه های شهر آمل دیده و حدس زده است که این برجها

۴۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۴۳ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب و ۸۸ الف . ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ دوباره آمده است .

بناهای گبری است^{۴۴}.

زاره ، از گنبد شمس طبرسی در آمل یاد کرده است^{۴۵}.

دمرگان نیز از گنبد شمس طبرسی در شهر آمل گفتگویی به میان آورده

است^{۴۶}.

رایینو هم یادی از گنبد شمس طبرسی کرده و درباره آن می نویسد :

«این گنبد مدور و به شکل برجی است جسد شمس آل رسول که عارف و محدثی بود و بازهد و تقوی می زیست در اینجا به خاک سپرده شده است. مزار او در «عوامه کوی» که از کویهای قدیم آمل بود بنا شده بود. طاق این برج دوپوش بود و دو گنبد خارجی و داخلی داشت که بر اثر زلزله خراب شد. مقبره قاضی هشام^{۴۷} در جوار همین گنبد است^{۴۸}».

رایینو از گنبد دیگری به نام «کبود گنبد» در خارج شهر آمل نام می برد و می نویسد :

برجی است با گنبدی مخروطی که روزی کاشیهای آبی رنگ آن را پوشانیده بوده است و نام این گنبد از رنگ کاشیها است^{۴۹}. محمدحسن خان اعتماد السلطنه این گنبدها را «بنائی معروف به آتشکده» دانسته و می نویسد :

در نزدیکی آمل بنائی است مخروطی که سه برج او باقی مانده. معروف است آتشکده بوده^{۵۰}.

Jonas Hanway, An historical account of the British Trade over the Caspian sea, with a journal of travels and the revolutions of Persia, 4 vol. London 1753, 2 Vol London 1762

به نقل از متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۷.

Sarre : Denkmäler Persischer Baukunst P. 97 et pl. LXXVIII ۴۵

De Morgan : Mission Scientifique en Perse T. I P. 184, Fig 84. ۴۶

۴۷ - قاضی هجیم (تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ و ۱۳۵) . ۴۸ و ۴۹ - متن

انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۸ . ۵۰ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۵۰ .

ظاهراً بر اثر اشتباه اعتماد السلطنه است که این برجها بعد از او به نام «آتشکده» شهرت یافته اند. این بناها اسلامی است و مقابر خصوصی افراد است و هیچگونه شباهتی به آتشکده ندارد.

گنبد الناصر للحق و گنبد شمس آل رسول

سید ظهیرالدین مرعشی درباره گنبد الناصر للحق می نویسد :

مشهد مبارک الناصر للحق را سیدعلی ساری دستور داد تا سید قوام الدین با برادران خود بسازند و در سال ۸۱۴ هجری به اتمام رسید^{۵۱}. در طوماری که در زمان صفویان نوشته شده است شمس آل رسول به نام «امامزاده شمس آل رسول» خوانده شده و تولیت آن را به مولانا علی آملی برگزار کرده اند.

رایینو درباره گنبد ناصرالحق می نویسد :

در زیر گنبد ناصرالحق جسد حسن بن علی ناصرالکبیر را به خاک سپرده اند. این گنبد را سیدعلی مرعشی حاکم مازندران برپای کرد. ابن اسفندیار می نویسد مقبره و مدرسه و کتابخانه ای که او تأسیس کرد و رقبات موقوفاتی که برای آنها در نظر گرفته شده بود تا قرن هفتم هجری در آمل برجای بود. قبر او در این تاریخ مورد احترام بود و از دور و نزدیک به زیارت آن می آمدند^{۵۲}.

مشکوتی می نویسد :

از دوبنای تاریخی گنبد ناصرالحق و شمس طبرسی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند اکنون آثاری جز ویرانه آنان دیده نمی شود. ساختمان این دو گنبد متعلق به قرن نهم هجری می باشد. گنبد ناصرالحق باید آرامگاه وی باشد که در سال ۳۰۴ هجری در این

۵۱ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۳۰ . ۵۲ - متن انگلیسی سفرنامه

مازندران و استرآباد ص ۳۸ .

مکان به خاک سپرده شده است. همچنین گنبد دیگر متعلق به مقبره شمس طبرسی از فقهای مشهور آمل بوده است. مقبره ناصرالحق که در محل خرابه های آمل است، در تاریخ ۸۲۰ - ۸۶۰ هجری به دست سیدعلی مرعشی بنا شده است.^{۵۳}

مهیجوری می نویسد:

گور ناصرالحق در آمل است و می خواستند از آجر و ساروج که برای تعمیر مقبره میرقوام الدین آورده اند، گور ناصرالحق را نیز تعمیر کنند.^{۵۴} باز در جای دیگر از قبر ناصر کبیر در آمل یاد کرده است.^{۵۵}

از پنج گنبدی که ملگنوف نقل کرده است سه گنبد آن به نام «سیدسه تن» و «گنبد ناصر کبیر» و «گنبد شمس طبرسی» برجای است و دو گنبد دیگر یعنی گنبد محمد آملی و گنبد کبود یکسره از میان رفته است.

آنچه که از این گنبدها امروز برجای است گنبدی معروف به سید سه تن = میرحیدر = سید در محله پایین بازار آمل

قسمت پایین بنا چهار گوشه است. در ورودی باطاقی جناقی در ضلع شرقی است و ضلع مقابل آن از خارج دارای دو طاقنمای باریک است به خلاف دو ضلع دیگر که هر کدام یک طاقنما به پهنای ۲۰۷ سانتیمتر در میان آنها بنا شده است. بالای طاقنماها محلی برای نصب کتیبه دارد و بالای آنها در هر ضلع ده قرنیس سینه کفتری و کشکولی است. بالای هر دو قرنیس کشکولی نیم دایره ای از کاشی است. (عکس شماره ۹)

چهار کنج بالای بنا را از داخل جمع کرده و چهار ضلع دیگر به وجود

۵۳ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ثبت تاریخی ۶۰ ص ۱۳۴ و فهرست بناهای تاریخی چاپ جدید ص ۱۷۸ . ۵۴ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۶ . ۵۵ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۳۹ .

آورده اند که با چهار ضلع اصلی مجموعاً هشت ضلع می شود که کمربند گنبد است و سقف را بر آنها بنا کرده اند. سقف بنا از داخل گنبدی مدور است که وسط آن سوراخی گرد برای هواکش تعبیه شده است و بام آن از خارج گنبد کلاه درویشی یا هرمی مثنی القاعده است. مصالح اصلی بنا آجر باریک و گچ است نمای خارج و داخل آن گچ مالک کشیده است. (عکس شماره ۱۰ و ۱۱)

در دو ضلع شرقی و غربی در ارتفاع ۱۲۷ سانتیمتری، دو پنجره کوچک چوبین نورگیر به درازای ۴۵ و پهنای ۳۵ سانتیمتر تعبیه شده است.

بر پنجره غربی این عبارات باخطی نزدیک به نسخ خوانده می شود:

امر بعمارة هذه البقعة الشریفة

قطب المحققین و برهان

بر پنجره شرقی این عبارات حک شده بود:

السالکین سید عزالدین

بن سید بهاءالدین آملی

اطراف دو پنجره و اطراف چهارچوبهای آن نقش و کنده کاری دارد. ملگنوف در سال ۱۲۷۷ قمری از این بنا یاد کرده است.^{۵۶}

رابینو در سال ۱۳۳۰ قمری این بنا را دیده و کتیبه های آن را بدین شرح خوانده است: کتیبه سنگی مقبره امامزاده سه تن در آمل:

فی شهر الله شعبان المبارک سنة اربعة عشر و خمس مائة

بسم الله الرحمن الرحيم لاله الا الله محمد رسول الله الملك لله العزة لله الحمد لله

هذه قبر الامام السعيد قاضى القضاة تاج الدين فخر الاسلام ابوالقاسم بن الامام الشهيد فخر الاسلام ابوالمحاسن الرويانى قدس الله روحه .

۵۶ - ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ درباره آمل است .

کتابخانه در اما مزاده سه تن در آمل

امر بعمارة هذه البقعة الشريفة ... سيد عز الدين ابن سيد بهاء الدين
آملی^{۵۷}.

از کتیبه‌ای بر سنگ که رابینو در سال ۱۳۳۰ قمری دیده است، امروز
نشانی برجای نیست. فقط کتیبه‌های دولنگه پنجره نورگیر آن تا امروز باقی است
و نشان می‌دهد که این بنا به دستور سید عزالدین بن سید بهاء‌الدین آملی ساخته
شده است.

در کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، این بنا به شماره
۶۱ ثبت تاریخی شده و این شرح درباره آن دیده می‌شود:

این بقعه به نام «سه تن» هم نامیده می‌شود. در نتیجه تعمیر و
مرمت‌های مکرر به صورت بنای تازه‌ای درآمده است. بنای اصلی
آن متعلق به قرن ششم هجری بوده است. بنای آن شامل برجی
هشت ضلعی و گنبدی هرمی به ارتفاع دوازده متر است^{۵۸}.

در تاریخ مازندران مهاجری کتیبه‌های سفرنامه مازندران و استراباد
رابینو عیناً نقل شده است و از قول رابینو نوشته است:

اینجا قبر ابوالمحاسن رویانی است که به دست فرقه اسماعیلیه کشته
شد^{۵۹}.

متن کتیبه صراحت دارد که در این گور جسد ابوالقاسم پسر ابوالمحاسن
رویانی به‌خاک سپرده شده است نه خود ابوالمحاسن رویانی مقتول به دست
اسماعیلیان.

گنبد بزرگ آجری که ظاهراً گورالناصر للحق است
در گنبدی^{۶۰} نزدیک نهر کلور و بیرون شهر آمل

در سال ۸۱۴ ه. ق. که سیدعلی بن سیدکمال‌الدین، از ساری به آمل

۵۷- سفرنامه مازندران و استراباد ص ۱۴ ع. ۵۸- فهرست بناهای تاریخی و اماکن
باستانی ایران ص ۱۳۴ چاپ قدیم و ص ۱۷۹ چاپ جدید. ۵۹- تاریخ مازندران
ج ۲ ص ۳۴۴ و ۳۴۵. ۶۰- بکسر دال ۲۰- بکسر کاف و واو.

آمد و سیدعلی بن میرقوام‌الدین را شکست داد و آمل را به سیدقوام‌الدین بن
سیدرضی‌الدین واگذاشت، «به مشهد مبارک امام‌الهدی الناطق بالصدق الناصر للحق
علیه‌السلام رفت و زیارت بگزارد و فرمود که این عمارت لایق این سید نیست.
عمارت دیگر بنیاد کنند. با وجود عمارت سیدقوام‌الدین این عمارت اینچنین حقیر
بودن خوب نیست.»

«درویشان گفتند اسباب که جهت گنبد میربزرگ جمع شده است، بسیار
است. هر چه از آن بماند اینجا به کار بریم. فرمودند که آنچه‌ان بی ادبی باشد.
چرا علی‌حده اسباب جمع نکنیم و عمارتی لایق نسازیم؟ سادات گفتند «به هر چه
اشارت باشد اقدام می‌رود.» گفت: «این عمارت سیدقوام‌الدین با برادران خود
بسا نند^{۶۱}».

بنای اصلی چهارگوشه و ابعاد آنها هریک ۵۴۰ سانتیمتر است. قطر دیوار
بنا بدون پیش‌رفتگی طاقنماها یک متر تمام است. در ورودی در ضلع شمالی است
و در هریک از اضلاع داخلی بنا سه طاقنمای باریک است که پهنای هریک به ۷۷
سانتیمتر می‌رسد. بالای سه طاقنمای هر ضلع دو طاقنمای کوچک است و بالای
این دو طاقنما مربع مستطیلی است و بالای هریک از مربعهای مستطیل مربعی است
که داخل آنها روزی کاشیکاری بوده است. (عکس شماره ۱۲) بالای آنها
قرنیسهای سینه‌کفتری و میان هر دو قرنیس، قرنیسهای کوچکتری است که بالای
هریک از آنها قرنیس نیم دایره‌ای زده‌اند. (عکس شماره ۱۳ و ۱۴)

چهار کنج بنا از داخل با چهار گوشوار جمع می‌شود و تبدیل به هشت ضلعی
می‌گردد بالای هر ضلع دوازده عدد قرنیس مانند مثلث شکل است. تعداد این
قرنیسها به ۹۶ عدد می‌رسد. بالای این قرنیسهای مثلث شکل دو ردیف قرنیس
سینه‌کفتری و کشکولی است که بالای ردیف دوم طاق مدوری زده شده است.
(عکس شماره ۱۵)

۶۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ در ن ص ۴۶۶.

طاق گنبد از داخل مدور است و گنجربری داشته است که به شازده ترك تقسیم می شده است. بام بنا از خارج کلاه درویشی است. (عکس شماره ۱۷ و ۱۶)

طرفین در ورودی از داخل دارای جاچراغی است. مصالح بنا آجر کلفت و نازک است که با گنجرنگی از داخل و خارج ماله کاری شده است.

گنبدی به نام گنبد شمس طبرسی^{۶۲}

ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳) از این بنا دیدن کرده و عکاس سلطنتی عکسی در آن تاریخ گرفته است^{۶۳}. (عکس شماره ۱۸)

دو مرغان در سال ۱۳۰۷ قمری طرحی از نمای بنا و نقشه و برش آن کشیده است.^{۶۴} (عکس شماره ۱۹ و ۲۰)

بنائی است چهارگوشه به ابعاد ۲۹۳ سانتیمتر. در ورودی اصلی در شمال است و در کوچکی در جهت مشرق دارد. طاق هر دو در گاه بلند و شکسته است. طرح در شرقی درست همانند در شمال است، اما کشیده تر و درازتر است. ده قرنیس سینه کفتری در هر طرف بنا است و دو نیمه قرنیس در دو کنج بنا است. بالای و وسط هر دو قرنیس کاشیهای نیم دایره چسبانیده اند. لعاب بعضی از کاشیها بر اثر مرور زمان از میان رفته است. (عکس شماره ۲۱)

چهار کنج بالای دیوار را عقب نشسته و از خارج هشت ضلعی به وجود آورده اند و بالای آن گنبد هر می شکل کلاه درویشی زده اند. این بنا از داخل نیز بامی گنبدی دارد. (عکس شماره ۲۲)

۶۲ - این گنبد را امروز به اشتباه «شمس تبریزی» خوانند. ظاهراً چون مفهومی برای کلمه «طبرسی» نیافته اند، آن را به «تبریزی» تبدیل کرده اند. ۶۳ - عکس شماره ۷۶۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه. ۶۴ - هیأت علمی فرانسه در ایران ص ۱۷۷ شکل ۸۳ و ص ۱۷۸ شکل ۸۴.

تکیه ای قدیمی

در آملی محله یا محله پایین بازار آمل

سراسر تکیه را نوسازی کرده اند و از تکیه قدیمی اثری برجای نبود. (عکس شماره ۲۳)

میان صحن تکیه چناری قدیمی بود که محیط آن به ۵ متر تمام می رسید. (عکس شماره ۲۴)

متصل به تکیه امامزاده ای معروف به امامزاده جعفر است که بالای نمای خارجی آن این عبارت بر کاشی خوانده می شد:

«مزار شریف امامزاده جعفر بن موسی مشهور به امامزاده معصوم» راینو از این تکیه و از این امامزاده یاد کرده است^{۶۵}.

آب انباری قدیمی

در آملی محله یا محله پایین بازار آمل

راینو در سال ۱۳۳۰ قمری از این آب انبار یاد کرده ولی امروز اثری از آن برجای نیست^{۶۶}.

مسجد حاج علی کوچک

در محله پایین بازار آمل

این مسجد شامل حیاطی مستطیل شکل است که سه طرف غربی و شمالی و جنوبی آن ساختمان دارد. شبستان مسجد، در ضلع جنوبی حیاط است. در طول شبستان در وسط هشت فیلیپی آجری است که روی آنها را با گچ سفید کرده اند. سردر ورودی مسجد غربی است و بر چهار پایه این سردر، گلدسته ای بنا کرده اند بنای گلدسته هشت ضلعی است و از آجر بنا شده است.

(عکس شماره ۲۵)

۶۵ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و آسترآباد راینو ص ۳۲ و ترجمه سفرنامه او ص ۶۱. ۶۶ - ترجمه سفرنامه مازندران و آسترآباد ص ۶۱.

برپایین گلدسته، این بیت ناقص، برجسته گچ‌بری شده بود:
 بی ادب پامنه این در گه در گاه است [کذا]
 سجدگاه ملك و معبد شاهنشاه است.
 در مازندران مهجوری این مسجد به نام «مسجد جامع کوچک حاجی علی»
 خوانده شده و حجرات آن را بالغ بر هفت دانسته است.^{۶۷}

حمام اشرف سلطان

در آملی محله یا محله پایین بازار آمل

امروز این حمام به نام حمام «اشرف» معروف است اما رایینو آنرا به نام
 «حمام اشرف سلطان» خوانده است.^{۶۸} این حمام شامل سربینه یا رختکن است.
 (عکس شماره ۲۶) سربینه شامل سه قسمت است. وسط حوض و راهرو و دوطرف
 سربینه شامل سه قسمت است. قسمت وسط حوض و راهرو و دوطرف
 آن دو قسمت رختکن است. از رختکن به گرمخانه واز آنجا به صحن حمام وارد
 می‌شود. مستراح و نوره‌خانه قدیمی دراز و طولانی بود و نور کافی نداشت.
 امروز قسمتی از گرمخانه را اختصاص به این دو داده‌اند. کاشیکاریهای قدیمی
 سربینه برجای بود که قدمت پاره‌ای از آنها به زمان صفویان می‌رسید.
 بر بالای در ورودی حمام عبارت زیر نوشته شده بود:

«هروقت لنگ در این مکان نصب است حمام مردانه است»

مسجد امام حسن عسکری

در محله پایین بازار آمل

شامل حیاطی است که سه طرف قبلی و شرقی و غربی آن ساختمان دارد.
 بنای طرف قبلی شامل شبستان است و بنای طرف شمالی شامل پلکانی در وسط
 است که به ایوانی می‌رود و در این ایوان چهار حجره در طبقه دوم و زیر آن چهار

۶۷ - مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۸ . ۶۸ - ترجمه سفرنامه مازندران و آستانراباد
 ص ۶۱ .

حجره در طبقه اول ساخته شده است. قسمت ساختمان غربی شامل در ورودی
 مسجد و دو حجره است قسمتی از ساختمان این قسمت، متصل به شبستان قبلی
 است. بالای در ورودی گلدسته‌ای هشت ضلعی آجری با بامی سفالپوش ساخته
 شده است. (عکس شماره ۲۷) بر دیوارهای گلدسته نقش و نگاری از
 گچکاری دیده می‌شود. (عکس شماره ۲۸)

در سال ۱۳۵۶ شمسی که دوباره از این بنا دیدن کردم قسمت شبستان
 نوسازی شده بود و این آیات از کلام الله مجید بر بالای شبستان برکاشی خوانده
 می‌شد:

بر دیوار غربی:

بسم الله الرحمن الرحيم سج باسم ربك الاعلى - تا - صحف ابراهيم و موسى
 صدق الله العلي العظيم تجديد و تعمير كاشيكاري و نصب سنگ در محرم ۱۳۹۳
 پایان یافت.

بر دور محراب آیات و عبارات زیر بود:

قال الله تعالى الله نور السوات والارض - تا - بكل شئى علميم .

قسمت داخلی محراب:

اللهم صل على المصطفى - تا - حجتك قائم المنتظر اجمعين
 دنباله کتیبه بالای شبستان که طرف چپ محراب قرار می‌گیرد:

بسم الله الرحمن الرحيم لو انزلنا هذا القران - تا - وهو العزيز الحكيم
 صدق الله العظيم نصب کاشی بهمت عبدالله عدل پایان یافت .

در ترجمه فارسی ملگنوف بنای این مسجد، به هارون الرشید نسبت داده
 شده است.^{۶۹}

در مازندران مهجوری از این مسجد یاد شده و ده حجره برای آن ذکر
 کرده است.^{۷۰}

۶۹ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۸ الف . ۷۰ - مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۸ .

مسجد هاشمی

در شاهان دشتی محله آمل^{۷۱}

این مسجد در ندمال راسته شاهان دشتی محله است. مسجد قدیمی را خراب کرده بودند و مسجد نوساز نیمه‌تمامی به جای آن می‌ساختند. در چهارطرف حیاط مسجد ساختمان است. ضلع شرقی حیاط کتابخانه عمومی هاشمی است. مهجوری می‌نویسد که این مسجد سیزده حجره داشته است^{۷۲}. بنا بر گفته او این بنا را باید مدرسه دانست.

حمام یوسف خان

در شاهان دشتی محله شهر آمل

این حمام در سال ۱۲۸۹ ه. ق. که رایینو آن را دیده، خراب بوده است^{۷۳}. امروز اثری از آن برجای نیست.

آب انبار یوسف خان

در شاهان دشتی محله شهر آمل^{۷۴}

از آب انبار یوسف خان در این محله اثری برقرار نبود.

حمام چرخ فلک

در قادی محله آمل

از این حمام قدیمی هیچگونه اثری برجای نمانده است. همچنین از حمام کاظم بیگ^{۷۵} و حمام چهارسوق^{۷۶} و حمام بقال^{۷۷} و حمام عطار^{۷۸} و حمام ساچبه - پاشان^{۷۹} و حمام مسگر بازار امروز اثری باقی نیست.

۷۱ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۲ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۸ . ۷۳ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۶۱ . ۷۴ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ - ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ درباره آمل مازندران .

تکیه قادی

در قادی محله آمل

این تکیه نوسازی شده و از آثار قدیمی آن نشانی برجای نبود.

فضل و فخر از اولاد امام زین العابدین علیه السلام

در قادی محله آمل

مرقدی است که گنبد را روی آن ساخته‌اند یعنی گور و گنبد متصل به یکدیگر اند بلندی مرقد و گنبد از دو متر تجاوز نمی‌کند. دری آهنی کوچک به بلندی نیم متر دارد که بازمی‌کنند و روی گور شمع می‌افروزند. این گنبد کوچک هشت ترکی است. محوطه اطراف بقعه در حدود پانزده متر مربع است.

پل سنگی

در قادی محله آمل

متن بنای این پل از آجر است و پل کوچکی است که بر روی «شهرود» زده‌اند گذرگاه آن سنگفرش است و ظاهراً به همین سبب به «پل سنگی» معروف شده است.

پل هراز در سال ۱۰۷۵ قمری

میر تیمور در سال ۱۰۷۵ قمری سه بار این پل را به نام «پل هراز» و یک بار به نام «پل آمل» در کتاب خود آورده است^{۸۰}.

پل هراز در سال ۱۳۶۰ ه. ق.

هولمز می‌نویسد:

پل باشکوهی که صدوشش سال قبل از این تاریخ جوناس هنوی دیده بود، دیگر وجود خارجی ندارد و هیچکس از خرافاتی که

۸۰ - تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۴۱ و ۴۴ و ۳۹۴ و پل آمل ص ۲۱۰ .

درباره عبور از روی پل هراز در عهد نادری بر سرزبانها بود و هنوی به تفصیل از آن یاد کرده است؛ اطلاعی نداشت^{۸۱}. معلوم نیست هولمز از کدام پل سخن می گوید. پل هراز از قدیمترین ایام تا امروز برقرار است و ماشینهای سواری و باری هم از روی آن عبور می کنند. ملگنوف درباره این پل می نویسد:

هراز پلی دوازده چشمه دارد و بسیار بلند و دراز است. گویند امام حسن آن را ساخته است ولی اهالی گویند که مردی فقیر برخلاف میل بزرگان این پل را ساخت و نفرین نامه ای نوشت که ارباب مکتنت از روی آن نگذردند بلکه گذرگاه رعایا و بیچارگان باشد^{۸۲}.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره پل قدیمی و آثار قلعه نزدیک به آن می نویسد:

پل طولانی کم عرضی از سنگ و آجر بر روی رودخانه هراز عبارت از ده طاق بنا شده. نسبت این بنا رابه اعراب می دهند ولی از ظاهر وضع چنین می نماید که قدیم تر از فتح اسلام این مملکت را بنا شده باشد. در انتهای پل سمت غربی رودخانه قریب سه هزار ذرع کنار رودخانه را با سنگ و آجر سد بسته اند که هنگام طغیان آب به شهر خرابی وارد نیارد. در نزدیکی پل این رودخانه، آثار قلعه ای قدیمی است که الحال کاروانسرا شده است^{۸۳}.

اعتماد السلطنه در روزنامه خاطرات خود درباره این پل چنین نوشته است: بنای این پل خیلی عالی است. نسبت بنای او را در زمان

۸۱ - Holmes, W.R., Sketches on the shores of the Caspian, London 1845, P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵.

۸۲ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۹۹. ۸۴ - مرآت البلدان ج ۱ ص ۶.

فتح اسلام می دهند به اعتقاد من قدیمتر است^{۸۴}.

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۲ ه. ق. درباره این پل نوشته است: وارد آمل که شدیم، از میان بازار که سنگ فرش بدی داشت و گل زیادی بود، عبور شد. به پل رسیده پیاده شدیم. عرض پل بسیار کم و طولش زیاد است. پیاده رفتن اولی بود^{۸۵}. ظاهراً در این سفر است که عکاس سلطنتی عکسی از این پل از طرف شرقی گرفته است^{۸۶}. (عکس شماره ۲۹)

رضاقلی خان هدایت درباره این پل می نویسد: چون پل آمل خراب و کار مترددین به صعوبت بود، یک هزار و دو بیست تومان مخارج پل بستن فرمود (ناصرالدین شاه) تا مشکل قوافل آسان گشته^{۸۷}.

درازای این پل ۱۳۰ متر و پهنای آن سه متر و بلندی آن از سطح آب شش متر است و در فاصله صد و بیست متری در شمال پل رضاشاهی است. (عکس شماره ۳۰ و ۳۱)

سیل بندهای قدیمی

در طرف چپ هراز

پایین تر از پل قدیمی هراز بر طرف دست چپ رودخانه سیل بندهایی از آجر است که ظاهراً برای جلوگیری از سیل و نفوذ آن به شهر ساخته بوده اند. بر روی این پایه های قدیمی آثار تازه تری از سنگ چین دیده می شود.

۸۴ - روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ص ۵۳. ۸۵ - سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از تاریخ مازندران هجوری ج ۲ ص ۱۹۳. ۸۶ - جریان رودخانه هراز شمالی جنوبی است و پل هراز جهت شرقی ندارد. عکس شماره ۲۶۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین شاه. ۸۷ - روضه الصفا ناصر ص ۱ ص ۲۸۵.

باغ و عمارت شاه عباس

در کنار هراز

ملگنوف می‌نویسد که شاه‌عباس در آمل عمارتی با باغی از سرو ساخته بود.^{۸۸}

هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق. می‌نویسد:

«از کاخ مشهور شاه‌عباس و دژ کهن سال و بزرگی که هنوی در صدوشش سال قبل آن را محکمترین و خوش‌ترکیب‌ترین دژهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت اثری دیده نمی‌شود.»^{۸۹}

تکیه‌ای قدیمی

در مشائی محله شهر آمل^{۹۰}

این تکیه نوسازی شده و از آثار قدیمی چیزی برجای نبود.

حمام مشائیا

در مشائی محله آمل

این حمام قدیمی را خراب کرده بودند و به جای آن ساختمانهای تازه‌ای ساخته بودند.

مسجد جامع

در محله مسجد جامع یا کاردرگر محله

ابن‌اسفندیار درباره این مسجد می‌نویسد:

۸۸ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۸ الف .

۸۹ - Holmes, W.R. : Sketches on the shores of the Caspian, Londnn 1845, P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵ .

۹۰ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۱ .

مسجد جامع به ایام هارون‌الرشید ، سنه سبع و سبعین و مائه (۱۷۷) بنیاد افکندند و متولی عمارت ابراهیم بن عثمان بن نیهک بود و خواست این جایگاه بخرد اول مسلم نشد تا آن وقت که جد ابوالحسن بن هارون‌الفقیه «انبارک» نام مسلمان شد . او را مبارک نام نهادند . سرای خویش بفروخت . بعد او هرکس به تبرک می‌فروختند چون عمارت تمام شد و خواستند تا قبله پدیدکنند ، چهل شبانه‌روز باران بود . وضع و تعیین به حقیقت میسر نشد . به حدس و تخمین فرو نهادند و بهای این موضع که جامع است هشت هزار و سی و دو دینار برآمد و طول مسجد نود و سه ارش بود و طول سمک ده ارش و در او سیصد هزار و شصت و چهل فرسب^{۹۱} بود . دیگر آلات بر این قیاس باید فرمود و چهل و هفت هزار و سیصد و چهل دینار به عمارت صرف شد^{۹۲} .

حسن بن اسفندیار در ص ۱۸۹ کتاب خود ، عثمان بن نیهک که پدر ابراهیم بوده بانی مسجد جامع آمل دانسته است^{۹۳} .

مولانا اولیاءالله نیز بانی مسجد جامع را عثمان بن نیهک معرفی می‌کند و می‌نویسد : مسجد جامع آمل را عثمان بن نیهک ساخته است که پس از عبدالله بن قحطبه و پیش از سعید بن مسلم بن فتنیه در طبرستان بود^{۹۴} .

سید ظهیرالدین درباره این مسجد می‌نویسد که مسجد جامع کهنه آمل را که مسجد طشته زنان می‌گویند معروف است که مالک‌اشتر ساخته است . این گفتار صحیح نیست و آنچه صحیح به نظر می‌رسد شخصی مالکی مذهب این مسجد را ساخته است و هنوز (سال ۸۸۱ ه. ق.) نبره‌های او از لار قصران برای تعمیر

۹۱ - فرسب داری ستر باشد که بدو بام را ببوشانند و ثقل همه بر وی بود (فرهنگ اسدی ص ۲۳) . ۹۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۲ . ۹۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹ . ۹۴ - تاریخ رویان ص ۵۱ .

آن می‌آیند.^{۹۵}

میرظهيرالدين در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد که در مسجد جامع آمل در مقصوره شرقی گورشهدائی است که در عهد طاهریان صاحب اعتبار بودند و مخالفت باداعی کبیر کرده‌اند. داعی ایشان را بکشت و در آنجا به خاک سپرد. مردم آمل آن مقصوره را زیارت می‌کنند که اینجا مقبره شهداست.^{۹۶}

میرظهيرالدين در جای دیگر بانی مسجد جامع آمل را عبدالله بن قحطبه دانسته است.^{۹۷} بنا بر این نوشته‌ها ظاهراً در شهر آمل دو مسجد جامع قدیم وجود پیدا کرده است. یکی از آنها را ابراهيم بن عثمان بن نهيك در سال ۱۷۷ هـ. ق. به امر هارون الرشيد ساخته است و دیگری را فرقة مالکيه بنياد افکنده‌اند.

مسجد جامع معروف امروز صحنی است مربع شکل که چهار طرف آن ساختمان دارد شبستان شمالی شش فیلیا در وسط دارد. فاصله میان فیلیاهای دوم و سوم که مقابل محراب است کمتر از سایر فواصل است. محراب مسجد مستقیم است ولی نمازگزاران نسبت به محراب به راست منحرف می‌شوند. این انحراف ظاهراً به همان سبب است که حسن بن اسفندیار برای تعیین قبله یادآور شد. شبستان غربی نه فیلیا در وسط دارد که زمین شبستان را به هیجده قسمت تقسیم می‌کند. شبستان جنوبی شش فیلیا در وسط دارد و شبستان شرقی هم دارای نه فیلیا است بناهای چهار طرف حیاط دوطبقه است و مأذنه مسجد را از سطح زمین ساخته‌اند. گور مرمت‌کننده مسجد در حیاط مسجد در گوشه شمال شرقی است.

در راهروی مسجد، گورزنی است که دهکده‌ای به نام «کوسراس» را وقف بر مسجد کرده است.

۹۵ - تاریخ طبرستان و مازندران ص ۱۹۴ و تاریخ رویان ص ۳۷ . ۹۶ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱۰ و تاریخ رویان ص ۷۱ . ۹۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۱۲ .

راینو در سال ۱۳۳۰ قمری درباره جامع آمل چنین نوشته است :

«بنای مسجد جامع بسیار قدیمی است و از سبز میدان فاصله زیاد ندارد. قسمت غربی مسجد بر اثر زلزله خراب شده بود. در سال ۱۲۲۵ هـ. ق. آقاعلی اشرف مشائی آن قسمت را تعمیر کرد. متصل به مسجد، مدرسه‌ایست که در مدخل آن دو فرمان از شاه سلطان حسین صفوی بر سنگ مرمر حک شده است.»^{۹۸}

راینو ظاهراً خود مسجد را ندیده، یا در نقل اطلاعات درباره این مسجد اشتباهی کرده است. زیرا مساجد جامع معمولاً بناهایی جداگانه هستند و هیچگاه به مدرسه متصل نبوده‌اند. دو فرمان شاه سلطان حسین چنانکه بعداً خواهیم دید، يك فرمان است و تا امروز هم بر دیوار مقابل در ورودی اصلی مسجد نصب است. هنگامی که از در اصلی وارد راهروی مسجد می‌شویم بر دیوار مقابل طرف دست راست دو سنگ مرمر به ابعاد ۶۰×۷۰ سانتیمتر پهلوی یکدیگر نصب کرده‌اند و این عبارات بر آن دو سنگ حک شده است :

هــو

حکم جهان مطاع شد آنکه وزیر و داروغگان مازندران بهشت نشان بشفتت بلانهایت شاهانه مفتخر و مباهی بوده بدانند که چون از هنگامی که مهره انجم بر تخت زرنگار فلک آنگون سیماب نمون بدست قضا چیده و کعبتین عجاج نیرین جهة تحصیل نقد سعادت کونین بنقش شش جهة گردیده گنجور گنجینه وجود به مؤدای حقانیت افتضای قل اللهم مالک الملك تؤئی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شیء قدير درهم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار وزرده‌دهی پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار را جهة این دودمان خلافت

۹۸ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۳۷ .

و امامت و خاندان نبوت و ولایت در مخزن هستی در کمال تردستی محفوظ و مضبوط داشته جهة سپاس این عارفه بیقیاس و اداء شکر این عطیه محکم اساس درین عهد سعادت مهد که عذرای دولت روزافزون در آغوش ولیلای سلطنت ابدمقرون دوش بدوش و اولین سال جلوس میمنت مأنوس و اوان شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس است همت صافی طویت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضاعت شریعت پرور بحکم آیه وافی هدایه الذین مکناهم فی الارض اقامسوا الصلوة واتوا الزکوة وامروا بالمعروف و نهوا عن المنکر باجرای اوامرو و نواهی خالق کل و خاتم انبیاء و رسل بفحوای صدق اتتمای اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون معطوف و مصروف داشته امر عالم مطیع شرف نفاذ یافت که مضمون بلاغت مشحون قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن پردگیان پرده گشاد پرده نشین و شاهدان چهره نما خلوت گزین بوده با فامل عصیان نقاب بی شرمی از رخسار غفت باز نموده دامن زن آتش غضب دادار بی نیاز نگردند و ساکنان خطه ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان بمضمون حقیقت نمون یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشیطان فاجتنبوه لعلکم تفلحون دست باکت قمار دراز نکرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشان را در روز مائة مائة نماید و فیل بند حیرت و هیمان هنگامه عرصات^{۹۹} ساخته معلوم شود که آنچه برده در باخته اند سالك طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل شنیع نگردند و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و بوزه فروشی مسالك محروسه که بهای^{۱۰۰} خطیر میشد بتخفیف و تصدق فرق فرقدسای اشرف مقرر فرمودیم و درین ابواب صدور

۹۹ - تا اینجا بر سنگ مرمر اول است که اندازه آن ۵۵ × ۶۶ سانتیمتر است .

۱۰۰ - در فرمان مسجد جامع لاهیجان : که هر سال مبلغهای خطیر .

عظام و علماء اعلام و فقهاء اسلام وثیقه ائینه علیحده مؤکد بلعن ابدی و طعن سرمدی موشح و مزین بخط گوهر نثار همیون است به سلك تحریر کشیده اند میباید که آنوزارت پناه و داروغگان مزبور بعد از شرف اطلاع بر مضمون رقم مطاع لازال نافذاً فی الاقطاع و الارباع مقرر دارند که در کل محال متعلقه بخود ساکنین و متوطنین بقانون از هر شریعت غرا و طریق اطهر ملت بیضا ناهج منهج صلاح و سداد بوده مرتکب امور مذکوره نگردند و بدکاران را در حضور اهالی شرع شریف و کلاتران وریش سفیدان محلات تسوبه داده مرتکبین امور مزبوره را تنبیه و تأدیب و التزام باز یافت و هرگاه اشتغال باین افعال ذمیه نمایند بر نهج شرع مطاع حد جاری و مورد موآخذ و بازخواست سازند و چنانچه احدی به اعمال شنیعه دیگری مطلع گشته اعلام نماید آنشخص را نوعی تنبیه نمایند که باعث عبرت دیگران گردد آن وزارت پناه و داروغگان مزبوره بعلت وجوهات مزبوره چیزی دریافت ننموده نگذارند که آفریده بدانجهه دیناری طمع و توقع نماید و خلاف کننده از مردودان درگاه الهی و محرومان شفاعت حضرت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و نفرین ائمه دین صلوات الله علیهم اجمعین و ملائکه آسمان و زمین باشند و اهالی و اوباش رانیز از کبوتر پرانی و گرگدوانی و نگاه داشتن گاو و قوچ و سایر حیوانه جهت جنگ و پرخاش که باعث خصومت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است ممنوع ساخته سد آن ابواب را از لوازم شمرند و دقیقه در استحکام احکام مطاعه و اشاعت و اجرای اوامر شریفه فرو گذاشت نمایند و از جوانب برین جمله روند و رقم قضاشیم معدلت مضمون را بر عموم خلائق خواننده برسنگ نقش و در مساجد جامعه نصب نمایند و درین ابواب قدغن دانسته هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و در عهده

شناسندفی شهر شوال سنه ۱۱۰۶ محمدابراهیم الهدانسی (عکس شماره ۳۲)

مسجد آقا عباس

در شرق کاردرگر محله و غرب بازار و تکیه مشائی

در این مسجد در طرف غربی و جنوبی حیاط، شبستان دارد. شش فیلیا در وسط شبستان جنوبی و چهار فیلیا در وسط شبستان غربی است. طرف شمال بنائی دو طبقه است که طبقه زیرین آن بیشتر شباهت به راهرو دارد چون در این ضلع دکانهای مجاور جلو آمده‌اند. طبقه بالا در طرف شمالی و غربی از چوب است. در ست چپ در ورودی مأذنه‌ای هشت ضلعی از آجر است.

حمام آقا عباس ۱۰۱

در کاردرگر محله آمل

از این حمام قدیمی اثری برجای نبود.

منزل منوچهر مقصودی (ملک‌زاده)

در کاردرگر محله = کاردی محله آمل

این منزل در کوچه ملک‌زاده است و ساختمان حکومتی پدران اوست. این خانه از خانه‌های قدیمی آمل است که پنجره‌های ارسی و نورگیرهای مشبک ظریف دارد.

بقعه‌ای منسوب به خضر ۱۰۲

در اراضی مصلاهی آمل

بنائسی است چهارضلعی که ابعاد داخلی آن ۳۳۲×۳۳۲ سانتیمتر است.

۱۰۱ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۶۶ . ۱۰۲ - نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۸۷ ب .

چهار گوشه بنا را با چهار گوشوار جمع کرده‌اند و دهانه مدوری به وجود آورده‌اند. کمر بند گنبد را روی این دهانه مدور ساخته‌اند و گنبدی مدور از داخل بر بنا زده‌اند. دوایر این گنبد کم کم جمع می‌شود و از داخل مخروطی به وجود می‌آورد در دایره کمر بند گنبد در طرف قبلی نورگیری ساخته‌اند. در ورودی بقعه شرقی است و از گنبد کنی چهار گوشه وارد بنای اصلی می‌شود. ابعاد گنبد ۳۳۰×۳۳۰ سانتیمتر است. سقف گنبد کن با چهار گوشوار جمع شده و گنبدی توسی خورده بالای آن ساخته‌اند. (عکس شماره ۳۳) مصالح بنا آجر است. گوری به ارتفاع بیست سانتیمتر وسط بنای اصلی است. متصل به این گور قسمتی از زمین حرم به نام «هفت تن» خوانده می‌شود. گور سادات در مصلاهی آمل ظاهراً همین بناست. گنبد بیرونی کلاه‌درویشی است و قرنیهای سینه کفتری زیر حاشیه گنبد دارد که بیشتر آنها روی درخراپی دارند. (عکس شماره ۳۴)

بقعه‌ای معروف به «شیخ‌الناس»

در هارون محله آمل ۱۰۳

این بقعه را ساکنان اطراف «شیخ‌انداز» و «شیخ‌الناز» نیز می‌خواندند. محل اصلی بقعه محل فعلی بیمارستان هلال احمرایران است. این بنا در نوسازیهای دوران رضاشاه از میان رفت.

کاروانسرائی قدیمی

در هارون محله آمل

در محل فعلی بیمارستان هلال احمرایران آمل که در اراضی هارون - محله ساخته شده است کاروانسرائی قدیمی بود در نوسازیهای زمان رضاشاه از میان رفت.

۱۰۳ - رابینو هارون محله را قسمتی از محله ایراقیها دانسته است .

دو حمام قدیمی

در هارون محله آمل

در محل اداره پست و تلگراف امروز که جزء اراضی هارون محله قدیم است دو حمام قدیمی بود که در نوسازیهای زمان رضاشاه از میان رفت .

مشهد لله پرچین و مرقد شاهزاده ابراهیم

در گرجی محله یا آسیاب سر یا آبدنگ سر آمل

مشهد لله پرچین ظاهراً قابل تطبیق با مرقد شاهزاده ابراهیم (عکس شماره ۳۵)

و گورستان اطراف آن است . سید ظهیرالدین می نویسد :

«مشهد لله پرچین در آمل مقبره مشایخ و سادات مالکی مذهب

است و مردم آمل که قبول اسلام کردند مالکی مذهب بودند تا زمان

داعی کبیر که ایشان را شیعه امامیه کرد.»^{۱۰۴}

راینو درباره مرقد شاهزاده ابراهیم نوشته است :

«امامزاده ابراهیم بسیار مورد احترام اهالی است . در

دوران تابستان روزهای پنجشنبه و جمعه در آنجا بازار برپاست .

بنای امامزاده میان گورستانی است که دیواری اطراف آن کشیده اند

و شامل برجی مربع شکل و گنبدی هشت ضلعی است . (عکس شماره

۳۶) بر صندوق چوبین مزار عباراتی حک شده و حاکی از آن است که

در آنجا امامزاده ابراهیم و برادرش یحیی و مادر این دوتن به خاک

سپرده شده اند . نسبت ابراهیم به موسی الکاظم می رسد . تاریخ

ساختن آن ۹۲۵ هجری قمری است . بیرون حصار گورستان برجی

سنگی است که می گویند مدفن هفتاد و دوتن از اصحاب امامزاده

ابراهیم است.^{۱۰۵} نزدیک مدخل اصلی قبرستان برجی مربع است که

۱۰۴ - تاریخ رویان ص ۳۷ و تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۴ .

۱۰۵ - گوری است از سنگی که متصل به بنای امامزاده است . این مرقد بیرون حصار گورستان نیست و برجی سنگی هم نیست بلکه گوری ساده است ملگنوف نیز از این گور یاد کرده است (نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب) .

در آن جسد حاجی نامدار خراسانی با دوتن از دوستانش که برای

مرمت امامزاده به آمل آمده بودند به خاک سپرده شده اند.^{۱۰۶}

آب انباری قدیمی در گورستان شاهزاده ابراهیم است که مخزن آب آن

تا امروز باقی است (عکس شماره ۳۷) و سردر و پله های پاشیر آن نیمه خراب

است . (عکس شماره ۳۸)

در کتاب فهرست بناهای تاریخی بقعه امامزاده به شماره ۶۳ ثبت تاریخی

شده و درباره آن چنین آمده است :

«ساختن این امامزاده که به شیوه برج ساخته شده ، دارای

بدنه آجری و گنبد مخروطی شکل می باشد . در این بنا چند کتیبه

بر روی در و صندوق چوبین آن به خط رقاع حک شده است . تاریخ

سال ۹۲۵ هجری در روی صندوق مرقد خوانده می شود . اهمیت

این بقعه تاریخی گذشته از نظر معماری و شیوه ساختمانسی به علت

دارا بودن آثار نفیس چوبی آن از قبیل در و صندوق است . خوشبختانه

کتیبه های این بنا حفظ شده است طبق مفاد کتیبه این بقعه متعلق

به ابو محمد ابراهیم از فرزندان حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام

است.»^{۱۰۷}

وضع کنونی مرقد شاهزاده ابراهیم

مرقد شاهزاده ابراهیم بنائی است چهار گوشه به ابعاد ۵۳۰×۵۲۲ سانتیمتر .

در ورودی حرم شرقی است و در مسجدی گشوده می شود . در ازای هر لنگه

۱۹۵ و پهنای آن ۵۰ سانتیمتر است . در بدنه های شمالی و غربی و جنوبی بنا

از داخل هر یک دارای دو طاقما است . بالای طاقماها و سردر ورودی حاشیه ای

۱۰۶ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استراباد راینو ص ۳۸ . در متن انگلیسی

سفرنامه و ترجمه آن ص ۶۱ سلسله نسب ابراهیم را چنین ذکر کرده اند : ابراهیم بن امام

دوسی کاظم بن ابو جعفر بن محمد تقی بن امام رضا علیهما السلام ! ؟ ۱۰۷ - فهرست

بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۳۵ چاپ قدیم و ص ۱۷۹ چاپ جدید .

گچ بری ظریف است. بالای حاشیه گچ بری ده بیت شعر با این مطلع است :
 ای خداوند داور من بگذر از جرم باب و مادر من
 بالای این کنیه که دور می چرخد ، در هر بدنه دو طاقما است . بالای این
 هشت طاقما ده بیت شعر دیگر است که با این مطلع شروع می شود :
 این بارگه ز کیست که بر چرخ اخضر است
 این بارگه ز کیست که چون مشک عنبر است
 بالای این کنیه چهار کنج بنا را چهار گوشوار زده و کمر بند گنبد بالا را
 هشت ضلعی نزدیک به دایره کرده اند. بالای این کمر بند دو ردیف مقرنس
 سینه کفتری است که بالای ردیف دوم را گنبد مدور بلندی زده اند .
 صندوقی چوبین با نقشها و نوشته های ظریف وسط بنا است که بر پایه ای
 به درازای ۲۳۷ و پهنای ۲۳۴ و بلندی ۳۲ سانتیمتر قرار دارد . درازای خود
 صندوق ۲۲۴ و پهنای آن ۲۱۸ و بلندی آن ۹۰ سانتیمتر است .
 این آیات و عبارات بر آن خوانده می شود :
 بر قسمت بالای بدنه شمالی صندوق :
 از : بسم الله الرحمن الرحيم يس والقرآن - تا - الى الاذقان
 بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :
 از : فهم مقمchon - تا - فاعشينا هم فهم
 بر پایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا :
 از : لا يصرون - تا - من اتبع [اینجا مقداری سوخته است]
 بر قسمت پایین همین بدنه از راست به چپ :
 از : وخشى الرحمن - تا - فكذبوها
 بر پایه سمت راست بدنه شرقی از پایین به بالا :
 از : فعزنا بئالك فقالوا - تا - من شىء
 بر قسمت بالای بدنه شرقی از راست به چپ :
 از : ان اتمم الا - تا - رجل يسعى

بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :
 از : قال يا قوم - تا - لا اعبدوا الذی
 بر قسمت پایین بدنه شرقی از راست به چپ :
 از : فطرفى واليه ترجعون - تا - ما انزلنا
 آیاتی که بر پایه سمت راست بدنه جنوبی از پایین به بالا حک شده است :
 از : على قومه - تا خامدون
 بر قسمت بالای همین بدنه از راست به چپ :
 از : يا حرة على العباد - تا - حيا يا كلون وجعلنا
 بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین :
 از : فيها جنات - تا - وما عملته ایديهم
 قسمت پایین بدنه جنوبی از راست به چپ :
 از : افلا يشكرون - تا - قدرناه منازل حتى
 بر پایه سمت راست بدنه سمت غرب از پایین به بالا :
 از : عاد كالعرجون - تا - ولا الليل سابق
 بر قسمت بالای بدنه سمت غرب از راست به چپ :
 از : النهار وكل فى فلك - تا - ما بين ايدىكم وما خلفكم [مابقی سوخته است]
 بر پایه سمت چپ بدنه غربی از بالا به پایین :
 از : مون وما تأتهم - تا قيل لهم انفقوا
 بر قسمت پایین بدنه غربی از راست به چپ :
 از : ممارزقكم الله - تا - الى اهلهم
 بر بدنه شمالی صندوق قسمت طرفین نقش وسط طرف دست راست :
 اللهم صل على المصطفى وصل على امام على المرتضى وصل على فاطمة الزهرا
 بر طرف دست چپ این نقش :
 وصل على امام حسن الرضا وصل على امام حسين الشهيد الكربلا وصل
 على امام زين العابدين

بر بدنه شرقی قسمت سمت راست کتیبه :

وصل علی امام محمد الباقر وصل علی جعفر الصادق وصل علی امام موسی کاظم
بر بدنه شرقی قسمت سمت چپ از بالا به پایین :

وصل علی امام علی بن موسی الرضا وصل علی امام محمد التقی وصل علی امام
علی التقی

بر بدنه قبلی طرف دست راست از پایین به بالا :

وصل علی امام حسن العسکری وصل علی امام محمد الهادی صاحب الزمان
بر بدنه قبلی طرف دست چپ از بالا به پایین :

لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فی السموات
بر بدنه غربی طرف دست چپ از بالا به پایین :

وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده

الا بأذنه یعلم ما بین یدیه و ما خلفهم ولا

بر همین بدنه طرف دست راست :

یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء وسع کرسیه السموات والارض

ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم

کتیبه وسط بدنه شرقی از بالا به پایین :

هذه الروضة المقدس لسبطی ائمة الابرار فی العالم ابو محمد

ابراهیم الملقب بالاطهر و الکاظم واخوه ابو المعالی یحیی و امهما

سلام الله علیهم و علی ایه ابو ابراهیم موسی بن الامام الهام حجة الله بین

الانام ابو جعفر التقی محمد بن الامام الشهد الغریب والمدفون

بالطوس فی القضا الامام علی بن موسی الرضا علیه السلام ۱۰۸

حاشیه پایین بدنه شرقی صندوق :

بانی هذا الخیر الجناب صاحب الاعظم الخواجه نامدار

ابن الدریش حاجی الکفشگر و قدمم ذلك فی شهر شوال سنة ۹۲۵

باعثها وساعیها و بانها عبدالله بن شاه حسین القاضی بمحروسة

طبرستان البواب لبقة الطیبة عمل محمد بن حسین نجار ساری .

در ورودی امامزاده چوبین و دارای کنده کاریها و نقشهای ظریف است

این عبارات بر آن خوانده شد :

بر لنگه سمت راست قسمت بالا :

قدوقف هذا الباب علی مزار امامزاده واجب التعظیم امامزاده ابراهیم

بر لنگه سمت چپ قسمت بالا :

ابن امام الهام موسی الکاظم علیه الصلوة والسلام

بر لنگه سمت راست قسمت پایین :

کعبه وصل را دری بصواب بگشا یا مفتوح الابواب

بر لنگه سمت چپ قسمت پایین :

بر آستان تو هر کس که سر نهد بارادت

بر آستان که گشاید برو دری بسعادت

بر دماغه همین در :

نادعلیا مظهر العجایب تجده عو نالك فی النوائب کل هم وغم سینجلی

بولاتیک یاعلی یاعلی یاعلی

یک خشت کاشی که نوشته های آن برجسته است بر بالای در ورودی حرم

در دیوار نصب کرده اند . این کلمات بر آن خوانده می شود :

تین وستمائنه فی عهدمذ

اکنون که کتیبه های در ورودی و صندوق شاهزاده ابراهیم را به دقت

هر چه تمامتر خوانده و نوشته ایم ، بد نیست نمونه ای از کتیبه خوانی رایینو را

نیز در اینجا بیاوریم تا دقت کار ما و بیدقتی گذشتگان روشن و آشکار گردد .

رایینو کتیبه در ورودی و کتیبه صندوق شاهزاده ابراهیم را چنین خوانده است :

کتابخانه در امامزاده ابراهیم آمل

«قل در رب الكعبه بكشا يا مفتح الابواب هذه الروضة المقدسة أنهم الابرار العالم ابو محمد ابراهيم الملقب بالاطهر و الكاظم واخيه المعالي يحيى وامهما اللهم صل على ابي محمد ابراهيم ابن امام الهمام موسى حجة الله بن امام ابو جعفر محمد التقي بن الامام الشهيد الغريب المدفون بارض طوس الامام علي بن موسى الرضا في شهر شوال سنة ۹۳۵. ۱۰۹»

کتابخانه صندوق امامزاده ابراهیم آمل

السلام على اولياء الله واصفيائه السلام على امناء الله واحبائه السلام على انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام على سلاله رسول الله السلام على سلاله امير المؤمنين ولي الله السلام على ذرية المخلصين في طاعة الله السلام على المتقربين في مرضاة الله اشهد يا مولاي ابراهيم ابن مولاي موسى ابن جعفر الكاظم انك عشت سعيدا ومتظلوماً والتقيت بائس الظاهرين و اجدادك المعصومين فارمتبعك ونجى مصدقك خراب وخرم كذبك و المتخلف عنك اشهد لي بهذه الشهادة لان اكون من الفائزين ولعنة الله على اعدائكم ومن يبغضكم اجمعين الى يوم الدين فيا ليتني كنت معكم فافوز فوزاً عظيماً العمل العاصي شيخ حاجي آقا ۱۱۸۷ ۱۱

کتابخانه دری در همین امامزاده

عقد هذا الباب على امر امام واجب التعظيم امامزاده ابراهيم ابن امام الحمام [كذا] موسى كاظم عليه السلام والصلوة ۱۱۱.

۱۰۹ - سفرنامه مازندران و استراباد راينو ص ۱۲ ع و ۱۳ ع .

۱۱۰ و ۱۱۱ - سفرنامه مازندران و استراباد راينو متن انگلیسی ص ۱۳ ع .

ظاهراً راينو میان عبارات و مطالب زیارتنامه و کتیبه صندوق فرق نمی گذاشته است. مرحوم مهجوری در تاریخ مازندران ۱۱۲ نوشته است این زیارتنامه بر ضریح حک شده است. سخن او نیز اساسی ندارد و تاکنون بر هیچ ضریحی زیارتنامه حک نکرده اند .

مسجد متصل به بقعه شاهزاده ابراهیم

مسجدی متصل به در ورودی بقعه شاهزاده ابراهیم است درازای آن ده متر و پهنای آن پنج متر است. سابقاً دیوارهای آن نقش و نگار داشته و فعلاً قسمتی از آنها باقی است مابقی را رنگ آبی زده و نقشها را از میان برده اند .

زمین بیاضی در شمال شرقی بنای امامزاده بود که کشتی گیرخانه بود و روزهای جمعه در سه ماه تابستان جمعه بازار بود. در این اراضی « لوجو » ۱۱۳ می گذاشتند و به کشتی گرفتن مشغول می شدند .

بنائی چهار گوشه

در گورستان اطراف بقعه شاهزاده ابراهیم

بنائی چهار گوشه از آجر در جنوب شرقی بقعه شاهزاده ابراهیم است. بر جدار خارجی هر يك از دیوارها دو طاقما است . بالای طاقماها قرنیسهای سینه کفتری است . گنبد بیرونی آن از میان رفته است و گنبد داخلی مدور آن باقی است. معروف است که نامدار و آقا عبدالله بانیان بنای شاهزاده ابراهیم در اینجا به خاک سپرده شده اند. (عکس شماره ۳۹)

اگر چنین روایتی درست باشد ، اینجا مرقد خواجه نامدار پسند درویش حاجی کفشگر و عبدالله بن شاه حسین قاضی طبرستان است که بانیان این بقعه بوده اند چنانکه در کتیبه صندوق امامزاده آمده است .

۱۱۲ - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۴ . ۱۱۳ - لوجو را در صفحات گیلان « برم » (بفتح باء و راء) می گویند و آن چوبی است که جواز کشتی گیران بر آن آویخته شده است .

در محوطه گورستان شاهزاده ابراهیم يك درخت تادانه است که محیط تنه آن به ۴۸۰ سانتیمتر می‌رسد. درختان چناری که در این گورستان هستند محیط تنه آنها به ترتیب ۸ متر و ۶ متر و چهارمتر است.

گورستان قدیمی بقعه را از اوایل تیرماه ۱۳۵۶ مشغول خراب کردن و هم سطح کردن قبور بودند.

زیارتنامه‌ای که برچوب‌حک شده است مورخ ۱۲۸۷ قمری است و بردیوار داخل حرم آویخته است.

این همان زیارتنامه است که روزی بر ضریح مطهر آویخته بوده و رایینو یا کسی که کتیبه‌ها را برای او رونویس می‌کرده جزء کتیبه‌های صندوق به‌شمار آورده است و تاریخ آنرا نیز به‌جای ۱۲۸۷، ۱۱۸۷ خوانده است.

وقفنامه قریه سر و کار درهم کلا و شیروانی محله و دو دانگ از جمله سه دانگ قریه داران سر و یک قطعه باغچه طاس‌گر محله و هیجده جریب زمین مزروعی برای امامزاده ابراهیم لله پرچین آمل.

الحمد لله الواقف علی السرایر والمطلع علی الضمائر والصلوة
والسلام علی محمد وآله صاحب المعاجز والمفاخر وبعد بمنطوق
آیه وافی هدایة المال والبنون زینة الحیوة الدنیا والباقيات الصالحات
خیر ثواباً واحسن عملاً بمفاد حدیث^{۱۱۴} صریح از حضرت رسالت
پناهی صلی الله علیه وآله الدنیا مرزعة الآخرة پس برسالکان جادة
هدایت مستقیم و راه یافتگان وادی اطاعت و تسلیم سزاوار و گوار است

۱۱۴ - در فاصله میان دو سطر دو مهر واثقان است که یکی چهار گوشه باخط طغری و سجع : یا ابا عبدالله اندر کنی . دومی بیضی نزدیک بد دایره با خط نستعلیق و سجع : اتو کل علی الله عبده نامدار . بر بالای سطر اول مهری چهار گوشه با خط نستعلیق است که سجع آن : افوض امری الی الله عبده محددهدی . برگوشه بالا سمت چپ سجل وقفنامه بدین شرح است : اقر والواقفان بما رقم و کما زبر فیہ لدی [مهری چهار گوشه با سجع : توکلت علی الوائق الغنی عبده محمد] .

که بجهة ذخیره اخروی و وسیله ابدی اندک تأملی نمایند و نظر بکلام جناب مرتضوی بمصداق انما الدنیاء فناء لیس للدنیاء ثبوت چندان اعتمادی بر این دارفنا و منزل عاریت‌سرای نبوده و نمیباشد و بهترین اعمال و شریف‌ترین افعال از خیر و مبرات که باقیات صالحات و ذخیره دار بقاست وقف کلام الله مجید و املاک و اجرای قنوت و بنای مساجد و ساختن پل و رباط و تکایا بجهة تعزیت‌داری جناب سیدالشهدا چیز دیگر نخواهد بود لهذا منظور از تحریر این کلمات و مقصود از تسطیر این فقرات آن است که چون مأمون ملعون حضرت امام رضا علیه السلام را بطوس آورد مردم از اطراف و اکناف که ایاب آنجناب را مشاهده نموده تمامت اهالی آن مرزوبوم مطیع و منقاد آنجناب گردیده و از اطاعت مأمون ملعون انحراف ورزیده آن ملعون از آوردن آنجناب نادم و پشیمان شد در خیال شهادت آنجناب افتاد آنجناب ثامه به اولاد حضرت امام موسی علیه السلام و سایر امامزادگان نوشته که چون نوشته بشما برسد بدون توقف روانه طوس شوید آنچه از اخبار مروی است دوازده هزار و سیصد و هفتاد و سه نفر بمضمون نامه نامی عمل نموده از شوق دریافت شرف ملاقات آنجناب بسیار گریستند و روانه خراسان گردیدند ابراهیم فرزند امام موسی علیه السلام فرمود ای برادران ما را يك بزرگی مبیاید که خیل و حشم را تواند راه برد امامزادگان فرمودند ای برادران میرویم بروضه رسول الله و سلام مینمائیم هر که را جواب سلام داد آنکس مهتر و بزرگ باشد علی الاصح بفرموده حضرت معصومه تمامی رفتند بروضه عرش درجه جناب . رسول يك سلام مینمودند جواب نشنیدند تا اینکه امامزاده ابراهیم فرزند امام موسی کاظم که مدفون در بلدة طیبه شهر آمل موضع لله پرچین سلام نمود از

روضه مبارک جواب شنید که عليك السلام یا ولدی ۱۱۰ چون ایشان استماع نمودند همه دست او را بوسیدند و بیعت نمودند و آنرا مهتر خود گردانیدند علم برپا کرده سپهسالار خود ساخته اند از مدینه بیرون آمدند چون به سارقمش شهریار رسیدند در شب یکشنبه بیست و یکم شهر محرم سکینه خاتون بنت امام موسی علیه السلام . خوابی دید برخواسته برادران گفت که مرغی را دیدم در میان آسمان و زمین ایستاده بود پر میزد و قطره قطره خون زهر آلود از وی میچکید قطره ای از آنرا استشمام نمودم بوی جناب امام رضا علیه السلام بر مشامم رسید آن مرغ گفت اللهم الخیر این قوما اجل میدواند که هر يك بدیاری برساند چون این سخن را شنیدند آن سبب را بصیبت یکدیگر گریستند خارجی که در شهریار بودند نامه به مأمون فرستاد که این قدر اولاد ائمه از عربستان رو بولایت عجم آورده اند که اگر این خیل وحشم به آن ولایت برسند شما را زنده نگذارند چون آن ملعون مطلع شد ترسیده در همان شب جناب امام رضا را زهر داده شهید کردند و نامه به محمد شیانی ۱۱۶ نوشته روانه نمود و نامه بحسن صباغ ۱۱۷ نوشته بقزوين فرستاد و نامه بسياه گوش ابن خاند سمنانی ۱۱۸ نوشت که چون نامه من بشما رسد باید که دمار از ابوترابیان بر آرند و نگذارند که یکنفر از آنها از سارقمش زنده بیرون روند چون نامه آن ملعون بان خارجیان رسید راهداران

۱۱۵ - عین این قصه را در مورد امامزاده ابراهیم بابلسر نیز ذکر می کنند و حتی در زیارتنامه او معروف به « ابراهیم ابوجواب » است . ۱۱۶ - محمدخان شیانی از ۹۰۵ تا ۹۱۶ هجری در ماوراءالنهر حکومت داشته و زمان او با زمان حکومت مأمون سازشی ندارد . ۱۱۷ - حسن صباح است نه صباغ و این مرد در رجب ۴۸۳ بر مسند حکمرانی نشسته و در ششم ربیع الاول سال ۵۱۸ از دنیا رفته است . دوران حکمرانی او نه با مأمون سازش دارد و نه با محمدخان شیانی . ۱۱۸ - سیاه گوش بن خالد سمنانی شخصیتی تاریخی نیست و مردی افسانه ایست .

مقرر کردند که نگذارند امامزادگان بیرون روند راهداران راهها را گرفته نگذاشتند که ایشان مدت شش ماه از سارقمش بیرون روند امامزاده ابراهیم گفت ای برادران در خواب دیدم لشکر بسیار بر سر ما آمدند و حرب عظیم در پیوست چون روز شد محمد شیانی ملعون بقریب چهل هزار کس از خارجیان با علمهای کبود و زرد و سیاه بر سر امامزادگان ریخته بنای محاربه شد و از تعاقب ایشان سیاه گوش سمنانی ملعون بقرب سی چهل هزار کس و از عقب او حسنک صباغ قزوینی با قرب چهل و پنجهزار از ملحدان الموت رسیدند و منافقان هر دیار با امامزادگان برانگیخته جنگ عظیم برپا نمود امامزاده ابراهیم چندان محاربه و قتال نموده و از خوارج بقتل رسانیده که جای اسب تاختن نبود و امامزادگان بقدر شش هزار کس از آن نامردان را واصل بدرك نمودند و عبدالرحمن نام که سر کرده ملحدان الموت بود ۱۱۹ بدست امامزاده ابراهیم مقتول گردید مدت شش ماه مردمان شهریار برای رسانیدن اخبار نمیتوانستند آمدورفت نمایند تا آنکه در شب بر سر امامزادگان تاخت و تاز آورده و ایشان را مغلوب نمودند و متفرق کردند بعضی از ایشانرا بشرح جدول در قراء مقتول نمودند و شصت نفر از آنها را در ساروقمش شهریار بدرجه شهادت رسانیدند و سرهای ایشان را جدا نموده و عون بن امام موسی علیه السلام را مقید کرده نزد مأمون ملعون فرستاده بعد از آن امامزاده ابراهیم که مهتر ایشان بود با والده آن و امامزاده یحیی با چندتن از امامزادگان وارد دارالمرز شهر آمل ۱۲۰ شدند و جدال و قتال تاغایتی نمودند

۱۱۹ - تاجائی که تاریخ گواد است چنین نامی میان سرکردگان اسماعیلیان الموت نداریم .
۱۲۰ - ظاهرا : وارد دارالمرز و شهر آمل شدند .

آخر الامر از شقاوت کریم بدتیر ۱۲۱ آملی وحسن رئیس ۱۲۲ با طایفه رئیسیه و ابوالقاسم نام کاردگر باطوایف خود و بعضی از طوایف آملی باعانت ویاری یکدیگر امامزاده ابراهیم را با سایر امامزادگان که بودند در موضع لاله پرچین آمل بدرجه رفیعه شهادت رسانیدند لعنة الله على قاتلهم الی یوم الدین و بعد از شهادت ایشان توفیقات سبحانی شامل حال و کافل احوال سعادت مآل عالیشانان سیادت پناهان سلاله الاعیانان آقا عبدالله و نامدار و لدمرحوم درویش حاجی نام کلاهما خراسانی الاصل مدعو بکشفکر و قاضی گردیده ۱۲۳ از جهة رونق اسلام و رعایت شأن دین حضرت خیر الانام و همراهی و اعانت بدو دمان طیبین و طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین روضه و بقعه شریفه بجهة امامزادگان و ساکنان اعلی علیین برپا نموده بزحمات تمام بقعه شریفه را با تمام رسانیده بعد از اتمام روضه منوره و بقعه متبرکه جناب سیادت انتساب اجل السادة شیخ بهاء الدین سهروردی لعنة الله علی الحجاج که بعضی از راه تقیه و خوف آنملعون از صاحبان نسب خارج النسب گردیدند متولی امامزاده معصوم زاده شیخ مزبور را نمودند و بعد از آن نسلا بعد نسل و بطناً بعد بطن تولیت و

۱۲۱ - بدتیر تبدیل و تصحیفی است از نام خاندان قدیمی در مازندران به نام « بتیر » و بتیر کلا در کمررود نور محل بیلاقی این خاندان است که ایشان هم امروز تبدیل به « بطاهر کلا » کرده اند تا نسبت بدتیری و قتل امامزادگان از ایشان برداشته شود .
 ۱۲۲ - رئیس از خاندانهای قدیمی جلگه مازندران است و شهرت ایشان از سنه ۹۰۰ هجری به بعد است (نگاه کنید بدتاریخ خاندان مرعشی مازندران تألیف میرنقیور مرعشی).
 ۱۲۳ - چنانکه از کتیبه صندوق برمی آید هیچیک از بانیان سید نبوده اند . یکی از آنها خواجه نامدار ابن درویش حاجی کفشگر است و دیگری عبدالله بن شاه حسین قاضی محروسه طبرستان . یکی پدرش حاجی کفشگر و دیگری شاه حسین است و برادر یکدیگر هم نبوده اند تا پسران درویش حاجی باشند و خراسانی الاصل بودن ایشان هم بر ما روشن نیست .

خدمتگذاری و چراغچی گری و حراست و پاسبانی و کلیدداری بقعه متبرکه را با اولاد ذکور شیخ مزبور قرار داد و واگذار نمودند که تولیت و خدمت بقعه متبرکه از اولاد جناب شیخ سابق الالقاب الی یوم يقوم الحساب نباید منقرض و خارج شود و قریه سروکار درهم کلا و شیروانی محله و دو دانگ از جمله سه دانگ قریه داران - سرویک قطعه باغچه طاس گرمحله و هیجده جریب زمین مزروعی که در جنب امامزاده مکرم است واقعه در سمت غربی مفوض بجناب شامخ الالقاب شیخ مزبور و اولاد ذکور مومی الیه شده که همه ساله منافع املاک و مداخل قراء مزبور را دریافت نمایند و بمصارف روشنائی و تعمیر بقعه متبرکه نمایند مخالفت کننده فقرات مزبور بلعنت و سخط الهی و عدم شفاعت جناب رسالت پناهی گرفتار آید و هر که از محبان و دوستان خاندان طیبین و طاهرین موقوفات مزبور را تغییر و تبدیل نماید یا آنکه امر تولیت را از دست جناب شیخ مزبور و اولاد بیرون آورد گرفتار سخط و نیران خداوند جبار و عدم شفاعت رسول مختار و اولاد اطهار آن باشد و هر که بدون معاذیر شرعیه خلاف کند در روز قیامت در عرصات محشر در مقام عدالت خداوند دادگر از قاتلین آن بزرگواران باشد و بعد از انقراض اولاد و ذریه شیخ مزبور امر تولیت مفوض بعلماء عصر بلد مزبور است فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمه علی الذین یدلونهم و کان ذالک تحریرا فی ششم شهر رجب المرجب من شهر نهصد و بیست و شش من الهجرة النبویه سنه ۹۲۶ والسلام علی من اتبع الهدی ونهی النفس عن الهوی

[جای دومهر] ۱۲۴

۱۲۴ - مهری چهار گوشه بزرگ با خط طغری که سجع آن : یا ابا عبدالله ادرکنی است . و دیگری مهری بیضی نزدیک به گرد با خط نستعلیق که سجع آن : اتوکل علی الله عبده نامدار . این دو تن واقفان رقبات موقوفه هستند .

این وقفنامه جعلی به نظر می‌رسد زیرا که واقفان یعنی خواجه نامدار پسر درویش حاجی کفشگر و عبدالله بن شاه حسین که قاضی محروسه طبرستان بوده است نسبتی با یکدیگر ندارند در صورتیکه در متن وقفنامه این دو تن برادرند . عجیب است که پای این وقفنامه بی‌اساس را چگونه این دو تن مهر کرده‌اند مهرهای آنان نیز ظاهراً جعلی است .

اسناد و فرمانها درباره امامزاده ابراهیم

۱ - سند مورخ رجب سال ۹۲۶ شامل سرگذشت امامزاده ابراهیم و شرح رقبات موقوفات امامزاده و تعیین شیخ بهاء‌الدین سهروردی به تولیت آنجا (در دو نسخه) .

۲ - عرضه داشت شیخ سعدی نامی درباره اینکه من متولی و کلیددار و چراغی ام پنج جریب شلتولکزار جنب امامزاده ابراهیم موقوفه قدیمی ما است به انضمام قطعه زمین خشکه بابت وظیفه استمراری ، ممکن است به علت سرشماری متعرض ما گردند و متذکرمی گردد که املاک موقوفه این امامزاده در زمان صفویه جزء موقوفات به حساب می‌آمده و در زمان نادرشاه جزء ابواب جمعی شده است . تعلیقه‌ای بر حاشیه این عرضه داشت که دستور می‌دهند مالیات از ایشان نگیرند (نسخه رونوشت است) .

۳ - فرمان فتحعلی‌شاه مورخ شوال ۱۲۴۹ که به فرزند خود محمدرقی میرزاملک آرای دارالملک طبرستان و جرجان می‌نویسد که چون بحسب شرع و فرامین لازم الاتباع سلاطین تولیت امامزاده واقع در بلده آمل یعنی امامزاده ابراهیم به عهده ملاشیخعلی دلارستانی بوده و او در گذشته است تولیت را به پسرش ملامحمد که شایستگی دارد داده شود و سالانه دو تومان و هشت هزار دینار از بابت منال موقوفات برای مصرف روشنایی صرف شود .

۴ - حکومت‌نامه به امضای علمای آمل مورخ ۱۲۷۴ چون میان متولیان اختلاف و مشاجره واقع شده بود برای رفع اختلاف تولیت را به آقا شیخ محمد

داده‌اند و دیگران را از مداخله منع کرده‌اند .

سجع مهرهای این حکومت‌نامه :

الواثق بالله الغنی عبده حسن الحسینی لاریجانی ، عبده الراجی محمدشفیع ، عزمین قنغ و ذل من طمع محمد صادق موسوی ، عبده الراجی یوسف موسوی .
۵ - مشاجره بر سر تولیت امامزاده ابراهیم و برگذاری تولیت آن به شیخ محمد در عشر ثالث جمادی الاولی سنه ۱۲۷۴ .

۶ - درباره برگذاری مهدی رجبعلی بقال ترکه خود را به زن خود و وکالت دادن به آقا شیخ محمد متولی امامزاده ابراهیم در فروش آنها مورخ ۱۲۷۶ .
۷ - سندی درباره تولیت امامزاده و برگذاری آن به ملا شیخ علی از طرف علما و بزرگان آمل .

مهرهای ذیل سند : زین‌العابدین ، محمدحسن ، محمد ، ابوالقاسم ، ابراهیم موسوی ، محمدزکی موسوی ، محمد ربیع موسوی ، ابوالقاسم ، علیردان موسوی .

۸ - درخواست برقراری وظیفه دو تومان و هشت هزار دینار تبریری به موجب فرمان خاقان و ثبت کتابچه مازندران درباره ملامحمد متولی امامزاده ابراهیم .

۹ - سندی که به خدام امامزاده ابراهیم دستور داده شده که بداندند ریش سفیدی امامزاده باشیخ محمد است . او حاصل از عایدات راضرف کند و امر تقسیم به عهده او باشد و امر تقسیم هفته را از میان بردارند .

۱۰ - عده‌ای می‌گویند که ملک بلده که واقع در بلده طیبه امامزاده ابراهیم است وقف بر امامزاده است . از این رو سروکار آنرا به شیخ اسماعیل و شیخ محمد واگذار کرده‌اند که منافع آن را صرف امامزاده کنند .

مهرهای ذیل سند :

یوسف - محمد باقر - جعفرقلی - اسمعیل - محمدقاسم - محمدشفیع -

محمدرضا - محمد ابراهیم - نصر الله موسوی - محمد هاشم - محمد علی .
 ۱۱ - سندی که در آن آقا سید مهدی و مشهده ماه خانم در سال ۱۲۰۸ قمری تمامی حقوق گله داری خود را به آقا شیخ طیب دلارستانی متولی به مال المصالحه مبلغ بیست تومان بایک کره اسب مصالحه کرده اند .
 ۱۲ - بیست و هفت سؤال و جواب فقهی به عربی به مهر احمد بن زین العابدین .
 (عکسهای شماره ۴۰ و ۴۱ و ۴۲)

مسجد میرزا محمد علی یا مسجد نیاکی
 در نیاکی محله آهل متصل به تکیه نیاکی

دیوار شمالی مسجد شامل چهار فیلیپا است که دوفیلیپای آن در دیوارهای شرقی و غربی است. فواصل فیلیپاها را طاق زده اند و پنجره های چوبین با خفنگهای جناقی نصب کرده اند. وسط مسجد در یک امتداد دوفیلیپا به ابعاد ۱۱۰ سانتیمتر است. دو ستون چوبین قدیمی تکیه را که سرستونهای زیبائی دارد به تازگی جلو ایوان جدید البنای مسجد گذاشته اند. تکیه قدیمی متصل به مسجد را که راینو از آن یاد کرده است ۱۲۰ یکسره خراب کرده و تکیه ای نوساز عظیمی که پولهای گزاف صرف آن شده است به جای آن ساخته اند یک طرف تکیه و مسجد باغ مرکباتی متعلق به مسجد است .

بالای سر محراب مسجد قدیمی تخته ای به درازای ۱۳۰ و پهنای ۵۰ سانتیمتر است که کتیبه ای با خط نستعلیق خوش بر آن حک شده است .
 این عبارات و اشعار بر آن خوانده می شود :

هو الوافق علی الضمایر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی وقف الازواج لجوده والاشباح لوجوده

والصلوة علی محمد الذی قرب الله بسجوده و علی آله الذین لا تبعدون عن حدوده اما بعد هر چند تفحات سعادت همیشه از مهاب فتوحات ایزدی وزانست و رشحات رحمت پیوسته از سحاب فیوضات سروری ریزان ولی تاغنیچه خاطر از خار شقاوت دور به تشکفد و تا صفحه ضمیر از غبار خیانت مهجور و خرم نشود بناء علیه چون اصل وجود میمنت آمود گلبرگ بوستان سعادت و سیادت اعنی عالیجاه رفیع جایگاه میرزا محمد علی که از نسل پاک و اهل نیاک وقف مؤبد نمود این دو باب مسجد و تکیه نکو بنیاد را بر کافه عباد محض الله و طلبا لمرضاته فی سنة خمس و خمسون و مأتان بعد الف سنة ۱۲۵۵ .

این پاک جاکه سجده گاه خاص و عام شد
 از اصل پاک پایگه آن تمام شد
 چون شد تمام معنی دار الخلود از او
 ظاهر چنانکه صورت دار السلام شد
 این سجده گاه پاک که نورش جلی بود
 وز ذکر حق به گردن سورش حلی بود
 بیتی است پرز رحمت و مالک در آن خدای
 هم واقفش بدهر محمد علی بود ۱۲۵۵

حمام نیاکی

در نیاکی محله نزدیک تکیه نیاکی

این حمام به راه و برکار است و شامل سرینه و رختکن و سردخانه و گرمخانه است و عواید آن وقف بر تکیه نیاکی است .

منزل آقای مستوفی

در نیاکی محله آهل

این منزل ظاهراً در زمان ناصرالدین شاه یکی از مراکز تجمع بایان بوده

و گروهی از سران ایشان نیز در این خانه به قتل رسیده‌اند. امروز این خانه مورد احترام ایشان است و به زیارت آنجا می‌آیند.

دارالحکومه سابق = منزل آقای سلیمان احمدیان

در نیاکی محله آمل

این خانه امروز در تصاحب آقای سلیمان احمدیان است. بر دیوار باقیمانده قدیم نقش و نگار سرو گچ‌بری شده است.

منزل آقای علی محمد شفائی

در نیاکی محله آمل

این خانه یکی از زیباترین خانه‌های شهر آمل است. بنائی است دو طبقه از دوران قاجاریه با پنجره‌های چوبین مشبك پرکار و ظریف و پنجره‌های ارسی مشبك با شیشه‌های رنگین و گچ‌بریهای زیبا و خوش نقش. (عکس شماره ۴۳ و ۴۴)

منزل آقای محسن منفرد

در نیاکی محله آمل

خانه‌ایست دو طبقه که در طبقه دوم ایوان و تابستان نشینی دوربنامی گردد. تکائیل این ایوان پرکار است و ظرافتی دارد. (عکس شماره ۴۵ و ۴۶)

خانه آقای صحت

در نیاکی محله آمل

از بناهای اواخر دوران قاجاری است. بنائی سه طبقه که نمای خارجی هر طبقه دارای چهار در است که بالای آنها پنجره‌های نورگیر مشبك دارد. بر جرزها گچ‌بری رنگی است.

خانه آقای درزی

در نیاکی محله آمل

بنائی است متعلق به زمان قاجار. نمای عمارت سه پنجره ارسی باشیشه‌های رنگین و دو پنجره ارسی مشبك کاری با آلت‌های ظریف، پنجره‌های مدور نورگیر مشبك بالای درها بسیار ظریف است. جرزها تمام گچ‌بری رنگین بسیار ظریف دارد.

بی‌بی رقیه

در نیاکی محله آمل

اطاقی است چهار گوشه با صندوقی ساده چوبین و دری ورودی چوبین ساده.

مشهد میربزرگ ۱۲۶ = مقبره میر قوام‌الدین مرعشی

در کاردرگر محله یا محله مسجد جامع آمل

میر قوام‌الدین در محرم سال ۷۸۱ فوت شد. جسد او را از بارفروش‌ده (بابل) بادوش به آمل آوردند. محل‌هایی که تابوت او را بر زمین گذاشتند به نام «زیارت میروزان» معروف شد و مردم زیارت می‌کنند. در آمل به خاک سپردند و قبه‌ای عالی برای گور او ساختند ۱۲۷

پس از تسلط امیرتیسور بر صفحات مازندران و تعیین جمشیدقارن غوری (۷۹۵ - ۸۰۵ ه. ق) و اسکندر شیخی چلاوی به حکومت آنجا، اسکندر که نسبت به سادات کینه در دل داشت، مردم آمل را به ویران کردن بارگاه میر قوام‌الدین فرمان داد. از آملیان کسی تن به این کار نداد. اسکندر دست به دامان مولانا قطب‌الدین آملی - جد مولانا قطب‌الدین لاهیجی - شد و او برای

۱۲۶ - در تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۷ و ۲۷ نام این مشهد آمده است.

۱۲۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ در ن ص ۴۰۹.